

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است



پردیس کشاورزی و منابع طبیعی
گروه ترویج و توسعه روستایی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی مهندسی کشاورزی گرایش ترویج و آموزش کشاورزی

عنوان پایان نامه:

شناسایی نقاط قوت ، نقاط ضعف ، فرصت ها و تهدیدهای پیش روی تشکیل و توسعه
تعاونی های دانشجویی کشاورزی

استاد راهنما:

دکتر امیر حسین علی بیگی

نگارش:

ملیحه السادات اخوان کاظمی

چکیده

بسیاری از صاحب نظران علت اصلی بیکاری تحصیل کرده‌های بخش کشاورزی را نبود شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز بازار دانسته و راه‌حل کاهش بیکاری را آموزش بهینه و کاربردی می‌دانند. یکی از راهبردهای آموزش کاربردی می‌تواند تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی در طول دوران تحصیل باشد. این پژوهش با هدف شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی با بهره‌گیری از تکنیک دلفی انجام شد. پس از مشخص شدن نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی تشکیل و توسعه تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی از پرسشنامه باز مرحله اول، در مرحله دوم از این متخصصان خواسته شد تا میزان توافق خود را بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای مشخص کنند. پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه مرحله دوم، پرسشنامه مرحله سوم که آخرین مرحله پژوهش بود تنظیم گردید و در آن اعضا با پاسخ موافق و مخالف، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای تشکیل و توسعه تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی استخراج شده را در نهایت تأیید یا رد نمودند. نتایج نشان داد که کاهش ترس دانشجویان از کار عملی، تطبیق آموخته‌های نظری کلاس‌های درس با کارهای عملی مرتبط، یادگیری ماندگارتر، تقویت توانایی کارکردن دانشجویان با یکدیگر، تقویت اعتماد به نفس، خودباوری و ریسک‌پذیری، تقویت روحیه مشارکت و جمع‌گرایی در دانشجویان، بالا بردن انگیزه تلاش در دانشجویان، آشنائی دانشجویان با شرایط واقعی و مشکلات کار کشاورزی و روش‌های حل این مشکلات از طریق کسب تجربه، بالا رفتن فرهنگ تعاونی در دانشجویان، به‌عنوان برخی از نقاط قوت و نداشتن پشتوانه مالی و یا فراهم نشدن سرمایه در زمان لازم، کمبود ابزار و ماشین‌آلات و یا وجود ابزار و ماشین‌آلات کهنه و مستهلک، عدم تعریف کارهای عملی و گروهی در سرفصل‌های برخی از دروس کشاورزی، عدم تمایل واحد مزرعه دانشکده‌ها در استفاده مستقیم دانشجویان از ماشین‌آلات و ادوات و امکانات واحد مزرعه دانشکده، کمبود قوانین و آئین‌نامه‌های حمایت‌کننده از تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی، کمبود زمین مناسب و منابع مالی در بسیاری از دانشکده‌های کشاورزی، تأکید دانشکده‌های کشاورزی بر تئوری به‌جای عمل به‌عنوان برخی از نقاط ضعف نهائی پیش‌روی تشکیل و توسعه تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی شناخته شدند. وجود روحیه کار و تولید در جامعه، اهتمام دولت برای توسعه کشاورزی و تولید ملی، استفاده از منابع دولتی و ارزان قیمت از قبیل آب، برق و ادوات، استفاده از نفوذ دانشکده در مکاتبه با سایر ارگان‌ها، توسعه فناوری در منطقه از مهم‌ترین فرصت‌های شناخته شده و سرانجام بروکراسی موجود در فضای اداری جامعه، عدم وجود سرمایه اولیه، امکانات، تجهیزات و فضای کافی در اختیار دانشجویان، عدم ارتباط دانشکده‌های کشاورزی با بخش اجرا، حاکمیت تئوری‌گرایی بر تفکر برخی مدیران و مسئولان و حتی اعضای هیئت علمی، عدم باور به توانائی‌های دانشجویان، عدم حمایت مسئولان دانشکده از این تعاونی‌ها از نظر مالی و عملی، عدم حمایت بانک‌ها و نهادهای دولتی از این‌گونه تشکلهای دانشجویی، عدم ثبات مدیریت در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، عدم حمایت دولت به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدهای نهائی پیش‌روی تشکیل و توسعه تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی مورد تأیید صاحب‌نظران مربوطه قرار گرفتند.

کلمات کلیدی: تعاون، تعاونی دانشجویی کشاورزی، آموزش عالی کشاورزی، یادگیری تجربی، تحلیل SWOT،

تکنیک دلفی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: طرح تحقیق

۲	۱-۱- مقدمه.....
۳	۲-۱- بیان مسئله.....
۶	۳-۱- اهداف تحقیق.....
۶	۴-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۷	۵-۱- مراحل تحقیق.....
۷	۶-۱- محدوددهای تحقیق.....
۸	۷-۱- تعریف واژگان کلیدی.....
۹	۸-۱- محدودیت‌های تحقیق.....

فصل دوم: پیشینه نگاشته ها

۱۱	۱-۲- مقدمه:.....
۱۱	۲-۲- گذری بر نظام آموزش عالی در جهان و ایران.....
۱۴	۳-۲- وضعیت موجود نظام آموزش عالی کشاورزی در جهان و ایران.....
۱۸	۴-۲- وضعیت اشتغال فارغالتحصیلان آموزش عالی و رشته‌های کشاورزی در.....
۲۷	۵-۲- یادگیری تجربی، یادگیری فعال و یادگیری مشارکتی و کاربرد آنها در.....
۳۸	۶-۲- نگاهی اجمالی به تعاریف تعاونی و تعاونی دانشجوئی.....
۴۲	۷-۲- تجارب یک مدل موفق.....

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۴۷	۱-۳- مقدمه.....
۴۷	۲-۳- نوع پژوهش.....
۴۸	۳-۳- جامعه مورد مطالعه و روش نمونه‌گیری.....
۴۹	۴-۳- روش جمع‌آوری داده‌ها.....

۵-۳- تحلیل داده‌ها.....	۵۱
۶-۳- روائی و پایائی ابزار تحقیق	۵۲

فصل چهارم: یافته‌ها

۴-۱- مقدمه.....	۵۵
۲-۴- تحلیل داده‌های دلفی	۵۵
۱-۲-۴- نتایج دور اول دلفی (R1).....	۵۵
۲-۲-۴- نتایج دور دوم دلفی (R2).....	۶۱
۳-۲-۴- نتایج دور سوم دلفی (R3).....	۷۰

فصل پنجم: خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- خلاصه.....	۸۰
۵-۲- نتیجه‌گیری.....	۸۴
۵-۳- پیشنهادها.....	۹۰
منابع.....	۹۵

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱- مقدمه

پایداری و پویایی توسعه کشاورزی و عمران روستایی در ایران مستلزم بهره‌مندی کشور از سرمایه انسانی ماهر و متخصص در زمینه‌های تولید و تبدیل محصولات کشاورزی و هم‌زمان با آن، پی‌ریزی نهادهای ترویجی و تشکل‌های خودیاری به منظور تدارک و تجهیز زیر بناهای مربوط به فرایند توسعه می‌باشد (شهبازی و علی بیگی، ۱۳۸۵). بی‌شک نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشور در جهت رشد و پیشرفت‌های اقتصادی به شمار می‌آید. به طوری که اغلب اقتصاددانان معتقدند که در نهایت منابع انسانی است که روند و ویژگی اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می‌کند. کشوری که نتواند مهارت و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند نخواهد توانست چیزی را توسعه دهد (فولادی و دینانی، ۱۳۸۰).

گویاترین صحنه نمایش واقعی نیاز به نیروهای انسانی ماهر و متخصص در زمینه‌های اصلی و جانبی مربوط به تولید و تبدیل محصولات و فراورده‌های کشاورزی، شرایط عرضه و تقاضای نیروی انسانی در بازار کار کشاورزی در مناطق روستائی و قطب‌های تولیدی در سراسر کشور است. شرایط این عرضه و تقاضا در وضعیت موجود، حاکی از بیکاری بیش از حد برون‌دادهای نظام آموزش کشاورزی در سطوح مختلف است که یکی از دلایل آن را می‌توان ناشی از عدم تطابق توانمندی‌های دانش‌آموختگان با نیازهای مهارتی و تخصصی مورد نیاز در واحدهای تولیدی و تبدیلی در بخش کشاورزی فرض کرد (شهبازی و علی بیگی، ۱۳۸۵).

تغییر فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی به سمت سیاست‌های تعدیل ساختاری و سیاست کاهش استخدام دانش‌آموختگان توسط دولت و برخی نارسائی‌های آموزش عالی کشاورزی در کشور نظیر کارآمدی کم دانش‌آموختگان کشاورزی، فاصله موجود بین نیازهای واقعی بازار کار کشاورزی و نظام آموزش عالی کشاورزی، تجلی ساز این واقعیات هستند که یادگیرندگان کشاورزی همواره باید با محیط طبیعی و اجتماعی این بخش در تعامل باشند و نحوه یادگیری را از طریق برخورد با مسائل و مشکلات واقعی

بیاآموزند. یکی از نهادهایی که می‌تواند در زمینه ارتقاء دانش عملی دانش آموختگان کشاورزی و هم‌چنین افزایش کارایی و بهره‌وری مؤسسات آموزش عالی کشاورزی مؤثر واقع شود، تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی است. از آن جایی که تشکیل و توسعه این تعاونی‌ها نیازمند زیربنای علمی و پژوهشی است، در این تحقیق نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای تشکیل آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲- بیان مسئله

در کشورهای توسعه یافته، مراکز آموزش عالی کشاورزی نقش بارزی در کاهش فرسایش منابع انسانی و بیکاری و از طرفی جذب و حضور مؤثر جوانان در بخش کشاورزی دارند و این نقش را با رویه‌ها و برنامه‌ریزی صحیح به نحو مؤثری ادامه می‌دهند. بررسی‌ها حاکی از این است که نظام آموزشی متداول کشاورزی کشور ضمن ارائه آموزش‌های نظری و پرداختن مطلوب به آموزش‌های عملی، نتوانسته است فارغ‌التحصیلان کارآمد و مورد نیاز بازار کار تربیت کند. در نتیجه بازار کار کشاورزی هم نتوانسته از ظرفیت‌های موجود، بهره‌برداری نموده و حرکت رو به تخصصی شدن را ادامه دهد. مهم‌ترین مشکلات نظام متداول آموزش عالی کشاورزی، عدم تناسب توسعه کمی دانشگاه با ظرفیت اشتغال، عدم ارتباط بین دانشگاه و عرصه عملی کشاورزی، توجه بیش از حد به مدرک، عدم ارتباط بین واحدهای تحقیقاتی و بخش کشاورزی و دانشگاه، ورود سخت به دانشگاه و خروج آسان از آن، شناسایی شده است. بر همین اساس، مطالعات مؤید آن است که دانش آموختگان دانشگاه‌های ایران، فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار مناسب (متناسب با تخصص دانشگاهی) در بازار کار می‌باشند (حاجی میر رحیمی و مخبر، ۱۳۸۸).

دغدغه آموزش عالی امروز این است که دانش آموختگان آن بتوانند از «دانش کارآمد» و فن‌آوری و مهارت‌های حرفه‌ای برخوردار شوند. براساس آمار، سالانه حدود ۲۷۰ هزار دانش‌آموخته دانشگاه‌ها وارد بازار کار می‌شوند، اما بازار کار جوابگوی این تعداد نیست. در پایان سال ۷۸، نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان معادل ۱۵/۹ درصد بوده است و در حال حاضر براساس آمارهای رسمی نرخ بیکاری دانش‌آموختگان معادل ۱۷ درصد می‌باشد (خسروی‌پور و سلیمانپور، ۱۳۸۸). ایجاد هماهنگی بین عملکرد دانشگاه‌ها و نیازهای بازار کار از جمله مسائل مهم در آموزش عالی است. از مشکلات دیگر آموزش عالی در زمینه دانش آموختگان

عدم امکان جذب مؤثر در بازار کار و جذب بیشتر فارغ‌التحصیلان در بخش‌های غیر تولیدی و غیرفعال است. خسروی پور و سلیمان پور (۱۳۸۸) به نقل از زمانی بیان می‌کنند که نداشتن تجربه عملی و دانش کم از جمله موانع اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در بخش خصوصی می‌باشد. جهانی شدن و تغییرات سریع تکنولوژیک باعث رقابت شدید در بازار کار امروز می‌شود که این مهم نیازمند افزایش توجه آموزش عالی به برآورده کردن مهارت‌های مورد نیاز است (آنی و هاملی^۱، ۲۰۰۶). اما شواهد زیادی بیانگر این است که بیکاری دانش‌آموختگان به خاطر عدم تناسب بین مهارت‌های آنان با نیازهای نظام استخدامی در بسیاری از کشورها در حال افزایش می‌باشد. آنچه مسلم است فرصت‌های ایجاد شده اشتغال توسط دستگاه‌های دولتی برای همه دانش‌آموختگان کافی نبوده و اثرات آن به صورت بیکاری دانش‌آموختگان نمایان می‌گردد (پور کریمی، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، با وجود نیروی انسانی آموزش دیده و جوان در رشته‌های کشاورزی، زمانی می‌توان به جذب آن‌ها در بخش‌های غیر دولتی و مولد امید بست که به دنبال تغییر در حیطه دانش، تغییرات بیش‌تری و مهارتی را نیز ایجاد کرد (خسروی پور و سلیمان پور، ۱۳۸۸).

در دانشکده‌های کشاورزی آن‌چنان که باید فضای عملی و پویا برای همکاری دانشجویان، استادان و جامعه محلی (روستا) وجود ندارد و دانشجویان اکنون تا حد زیادی با واقعیت‌های بخش روستایی و کشاورزی آشنا نیستند و لذا پس از اتمام دوران تحصیل تجربه عملی کافی برای ورود به بازار کار ندارند و به عبارت ساده‌تر دانشگاه نتوانسته به معنای واقعی کلمه مهندس کشاورزی تربیت کند. عدم آشنایی دانش‌آموختگان کشاورزی با دنیای واقعی کار و ترس از انجام فعالیت‌های تولیدی و خوداشتغالی مسئله ویژه‌ای است که موجب می‌شود آن‌ها فاقد اعتماد به نفس و توان مدیریتی در عرصه فعالیت‌های کشاورزی باشند (باهری، ۱۳۸۳).

یادگیری تجربی می‌تواند یاری رسان آموزش عالی کشاورزی در رفع مسائل ذکر شده تربیت مهندسان کشاورزی باشد. در یادگیری تجربی دانشجویان از طریق تجارب زندگی واقعی یاد می‌گیرند و تجربه بر شیوه یادگیری آن‌ها تأثیر می‌گذارد زیرا تجارب هستند که چارچوب کلی رفتار انسان را شکل می‌دهند. این تجارب بر طرز تلقی افراد تأثیر می‌گذارند و به‌عنوان پلی بین دانشگاه و محیط‌های کار و زندگی عمل می‌کنند. هم‌چنین یادگیری تجربی، تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری را در دانشجویان تقویت می‌کند. به‌طور کلی

¹ Annie & Hamali

می‌توان گفت یادگیری تجربی شامل یادگیری از طریق حل مسئله، یادگیری از طریق انجام پروژه، یادگیری از طریق عمل و یادگیری در زمینه‌های زندگی واقعی و محیط‌های کاری است که به نظر می‌رسد آن‌چنان جایگاهی در آموزش عالی کشور ما ندارد (علی بیگی و گراوندی، ۱۳۸۶).

با توجه به مسائل و چالش‌های نظام آموزش عالی کشاورزی که در بالا به صورت مختصر اشاره گردید و مفهوم یادگیری تجربی که می‌تواند راهبردی دست‌یافتنی برای رفع مسائل یاد شده در تربیت مهندسان کشاورزی کارآمد باشد، تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی راه‌کاری برای عملیاتی کردن راهبرد تلفیق یادگیری تجربی در نظام آموزش عالی کشاورزی خواهد بود. این تعاونی‌ها سبب خودباوری و غلبه بر ترس و واکنش از انجام فعالیت‌های عملی و پرورش روحیه مشارکت و تعاون در بین دانشجویان، هم‌چنین ارتقاء مهارت‌های علمی و عملی دانشجویان و بستر ساز خوداشتغالی و کسب درآمد، پس از فراغت از تحصیل خواهند شد. هم‌چنین در این تعاونی‌ها به کارایی، توانمندی و تخصص فنی، علمی و عملی دانشجویان نیز توجه می‌شود و برای او این امکان فراهم می‌آید که علاوه بر آموخته‌های نظری در کلاس‌ها و آزمایشگاه‌ها در زمینه تخصص خود جهت کسب تجربه و مهارت، آموخته‌های عملی را نیز به‌طور واقعی در مزرعه تجربه کند (باهری، ۱۳۸۳).

راه‌اندازی این تعاونی‌ها در دانشکده‌های کشاورزی می‌تواند پیامدهای مثبت زیر را در پی داشته باشد:

- توسعه فرهنگ تعاون در بین قشر دانشگاهی به ویژه دانشجویان و استادان
- شناسایی علایق و تمایلات واقعی دانشجویان در زمینه کار و راهنمایی ایشان برای اشتغال در شغل مورد نظر در قالب تعاونی از بدو ورود به مراکز دانشگاهی
- آموزش عملی کارآموزی دانشجویان در زمینه‌های مرتبط با رشته‌های تخصصی آن‌ها
- کاربردی کردن تحصیلات دانشگاهی دانشجویان و هدفمند ساختن تحصیل در دانشگاه‌ها (عباسی، ۱۳۸۹).

با عنایت به مطالب مذکور، در این تحقیق در جهت رسالت تشکیل و توسعه تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی موفق در دانشکده‌های کشاورزی، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی راه‌اندازی و توسعه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۳- اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی بود.

جهت دستیابی به هدف کلی فوق لازم بود اهداف اختصاصی زیر مد نظر قرار گیرد:

۱. شناسایی نقاط قوت تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی
۲. شناسایی نقاط ضعف تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی
۳. شناسایی فرصت‌های تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی
۴. شناسایی تهدیدهای تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی
۵. تدوین راهبردهای مناسب جهت تشکیل و توسعه تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی بر اساس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شناسایی شده

۱-۴- اهمیت و ضرورت تحقیق

هدف از انجام این مطالعه شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای تشکیل و توسعه تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی در دانشکده‌های کشاورزی بود. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که با مشخص شدن نقاط قوت تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی در دانشکده‌های کشاورزی، بستر مناسب برای تشکیل و توسعه این نهاد دانشجویی به منظور ارتقاء دانش عملی در دانش‌آموختگان این رشته فراهم خواهد شد. شناسایی نقاط قوت و تقویت این نقاط، امکان برنامه‌ریزی واقع بینانه و اصولی جهت راه‌اندازی و توسعه‌ی این گونه تعاونی‌ها را فراهم ساخت و از این طریق حلقه مفقوده آموزش‌های عملی و نظری و هم‌چنین دانشگاه و بازار کار و محیط واقعی را احیا نمود. افزایش تعداد این تعاونی‌ها باعث کاهش نرخ بیکاری و در نهایت کمک به اقتصاد کشور و بهبود آن خواهد شد.

مشخص کردن نقاط ضعف این تعاونی‌ها از آن نظر حائز اهمیت است که می‌توان جهت برطرف کردن این موانع از سر راه تعاونی‌ها، اقدامات مناسب به عمل آورد و با تعدیل این موانع کارایی تعاونی‌ها را افزایش داده و باعث افزایش موفقیت آن‌ها شد. کاهش نقاط ضعف و کمرنگ کردن آن‌ها، انگیزه دانشجویان را

برای ایجاد و تشکیل این تعاونی‌ها ارتقا داده و در نتیجه این امر منجر به افزایش توان علمی و عملی دانشجویان خواهد شد.

شناسایی فرصت‌ها سبب خواهد شد که تعاونی‌ها با بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌رو بتوانند در راستای بهره‌وری و موفقیت تعاونی درست عمل نمایند و در بازار رقابتی قادر به بقا و تداوم کار خود باشند. ضمن این که شناسایی تهدیدهای موجود در زمینه تشکیل تعاونی‌ها از این نظر حائز اهمیت است که موجب انجام اقدامات پیش‌گیرانه برای جلوگیری از بروز این تهدیدها خواهد شد.

۱-۵- مراحل تحقیق

دستیابی به اهداف مذکور و انجام این تحقیق با طی مراحل زیر امکان پذیر است:

۱. تدوین طرح تحقیق؛
۲. مرور ادبیات و پیشینه نگاشته‌ها، سوابق و پژوهش‌های مشابه این تحقیق؛
۳. تدوین روش تحقیق برای پاسخگویی به صورت مسئله و پرسش‌های تحقیق؛
۴. تهیه چک‌لیست و متن مصاحبه
۵. انجام عملیات میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع دست اول؛
۶. کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها؛
۷. تدوین گزارش نهایی تحقیق؛

۱-۶- محدوده‌های تحقیق

این تحقیق به جهات ذیل محدود می‌شود:

الف- موضوعی: موضوع این تحقیق شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای تشکیل تعاونی‌های دانشجویی کشاورزی است. یکی از راه‌کارهای اشتغال‌زایی و به‌کارگیری آموخته‌های نظری دانشجویان در شرایط واقعی و محیط طبیعی، ایجاد و تقویت تشکل‌های دانشجویی است که توسط خود

1 Delimitations

دانشجویان راه اندازی و اداره می‌شود. علی‌رغم این مزایا، تعاونی‌های دانشجویی دستخوش چالش‌ها و تنش‌های بیرونی و درونی زیادی بوده که بر نحوه کار آن‌ها تأثیر زیادی خواهد داشت.

انجام این تحقیق کمک می‌کند تا مسئولان دانشگاه‌ها، کارشناسان مربوطه و هم‌چنین دانشجویان، آگاهی‌های لازم را در زمینه مزیت‌ها و نقایص و کمبودهای این تشکلهای دانشجویی کسب کرده و با شناخت کامل و دید وسیع‌تری نسبت به تشکیل و توسعه این تعاونی‌ها اقدام نمایند. هم‌چنین ضرورت استفاده از روش‌های یادگیری تجربی که شالوده اصلی تشکیل و توسعه این گونه تعاونی‌هاست بیش از گذشته مورد توجه برنامه ریزان و مسئولان دانشکده و دانشجویان قرار گیرد.

ب- جغرافیایی: محدوده جغرافیایی تحقیق، استان کرمانشاه، دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی استان کرمانشاه است.

ج- زمانی: محدوده زمانی این تحقیق سال ۹۱-۱۳۹۰ است.

۱-۷- تعریف واژگان کلیدی

تعاونی: تعاونی نهادی است که امکانات و توانایی‌های فکری، جسمی و سرمایه‌ناچیز و پراکنده افراد را که به تنهایی قادر به نقش آفرینی نیستند جمع‌آوری می‌کند و با پشتوانه حمایت و هدایت‌های دولتی آن‌ها را در راه ارتقای سطح رفاه اعضا به کار گیرد (لطیفیان، ۱۳۸۴).

در تعریفی دیگر، تعاونی به عنوان نهادی مستقل و متشکل از افرادی که داوطلبانه دور هم جمع می‌آیند تا نیازها و خواست‌های مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را از طریق نهادی با مالکیت مشترک و مبتنی بر نظارت مردمی تأمین نمایند تعریف شده است (بیرچال، ۱۹۵۱).

تعاونی دانشجویی: در این شکل از تعاونی، دانشگاه به تدریج افراد را در قالب تعاونی‌های تخصصی سازماندهی کرده و تمهیدات لازم را برای فعالیت ایشان فراهم می‌آورد. از جمله این اقدامات، هدایت این گروه به طراحی یک طرح توجیهی از نظر اقتصادی، مالی و فنی است. پس از طی مدتی اعضای تعاونی‌ها پس‌انداز مناسبی در واحد داشته، کار گروهی را تمرین می‌کنند، طرح کسب و کار قابل دفاعی ارائه کرده و کارآموزی لازم را نیز در ارتباط با آن انجام می‌دهند (بیات، ۱۳۸۳).

یادگیری تجربی^۱: کلب به عنوان بنیان گذار نظریه یادگیری تجربی تأکید فراوانی بر نقش تجربه در یادگیری دارد. در این نظریه، یادگیری فرایند فعال تعامل شخص با محیط و موقعیت‌های زندگی است. کلب هم‌چنین معتقد است افراد به‌طور متفاوتی یاد می‌گیرند و یادگیری چرخه‌ای است که: ۱- با تجربه شروع می‌شود، ۲- با تفکر ادامه می‌یابد (مشاهده تعاملی)، ۳- سپس به بینشی خاص رسیده و تجربیات به شکل فرضیات در می‌آید (مفهوم سازی انتزاعی) و ۴- در مرحله آخر به عمل منجر می‌گردد و در حل مسائل و اتخاذ تصمیمات از آن استفاده می‌شود (آزمایشگری فعال). اما همه فراگیران نمی‌توانند در همه مراحل این چرخه آن‌چنان موفق باشند (معیاری و همکاران، ۱۳۸۷).

تحلیل SWOT: ابزاری برای شناخت تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی یک سیستم و بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل سیستم مزبور می‌باشد. در واقع تحلیل SWOT، ابزار سودمندی برای تجزیه و تحلیل شرایط کلی محیط زندگی، سازمان، مرکز تجاری، مؤسسه تولیدی یا سازمان اداری است. این نگرش سعی دارد که نقاط قوت و ضعف داخلی را با فرصت‌ها و تهدیدهایی که محیط بیرونی ارائه می‌دهد، متعادل کند (راسخی، ۱۳۸۴).

۱-۸- محدودیت‌های^۲ تحقیق

۱. عدم دسترسی به بسیاری از اعضای تعاونی دانشجویی سابق دانشکده کشاورزی
۲. عدم همکاری بسیاری از اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی
۳. دسترسی محدود به منابع و ادبیات مرتبط با تعاونی‌های دانشجویی

1 Experiential learning

2 Limitations

فصل دوم

پیشینه نگاشته‌ها

۲-۱- مقدمه:

این فصل شامل بخشی تحت عنوان مبانی نظری تحقیق می‌باشد که بررسی وضعیت موجود نظام آموزش عالی در جهان و ایران، وضعیت موجود نظام آموزش عالی کشاورزی در جهان و ایران، وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و به خصوص رشته‌های کشاورزی در ایران و سپس توضیحاتی در رابطه با یادگیری تجربی و انواع آن و تعاونی‌های دانشجویی را در بر می‌گیرد، بخش دوم شامل نتایج مهم‌ترین تحقیقاتی که در گذشته در خصوص موضوع مورد مطالعه انجام شده است، می‌باشد.

۲-۲- گذری بر نظام آموزش عالی در جهان و ایران

دانشگاه‌ها به عنوان مراکز تولید کننده علم و فرهنگ و تربیت متخصصان مورد نیاز کشور، به‌طور قطع خاستگاه بسیاری از خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها برای حل مسائل روز جامعه می‌باشند. با توجه به رشد سریع جامعه، ایجاد مشاغل جدید و تغییر در وظایف شغلی، دانشگاه‌ها در مسیری قرار می‌گیرند که بایستی خط مشی‌ها و برنامه‌های خود را با رشد شتابان اجتماعی تطبیق دهند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۰).

نظام‌های آموزش عالی در کشورهای مختلف، در اثر تحولات جهانی در دهه گذشته، با روندهایی روبه‌رو شده‌اند که نه تنها فرایند عملیاتی آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده، بلکه هدف‌های آن‌ها را نیز متحول کرده است. از جمله این روندها، می‌توان به جهانی شدن و دانش محور شدن اقتصاد اشاره کرد. روندهای یاد شده می‌توانند بر نظام‌های آموزشی عالی کشورهای جهان سوم تاثیر دوگانه‌ای داشته باشند. از یک سو در تشخیص فرصت‌ها و پی بردن به قوت‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی می‌توانند نارسائی‌ها و نقاط ضعف خود را کاهش دهند و پیشرفت‌های علمی کشور را تسهیل کنند. این امر خود موجب می‌شود که به توسعه جامعه یاری دهند. از سوی دیگر، در صورت تشخیص ندادن فرصت‌ها و ناشناخته ماندن نارسائی‌ها و ضعف‌های گذشته، دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه، در وضعیتی قرار خواهند گرفت که

فاصله موجود میان کشور خود و سایر کشورها را از نظر پیشرفت علمی تشدید خواهند کرد (بازرگان، 1384).

رسیدن به توسعه، نیازمند مبانی نظری و معرفتی، نیروی انسانی کارآمد و ابزارها و فن آوری مناسب می‌باشد که دانشگاه به عنوان مرکز تولید، انتقال و به‌کارگیری دانش، موارد یادشده را فراهم می‌سازد. دانشگاه به عنوان یک نظام پویا، نقش هدایتی و رهبری مشارکتی فکری مردم در اداره جامعه را ایفا می‌کند (شبان‌ی و خسروی‌پور، ۱۳۹۰). در این راستا صبوری و همکاران (۱۳۸۷) بیان می‌کنند که مؤسسات آموزش عالی صرفاً مکتب عالی برای آموزش و انجام تحقیق و پژوهش نیست و چه‌بسا این‌گونه فعالیت‌ها را بتوان در مکان‌هایی غیر از دانشگاه‌ها ارزان‌تر انجام داد.

آن‌چه که مشهود است این است که با ظهور دانش اقتصاد محور، جهانی شدن آموزش عالی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. تقاضای روز افزون نسبت به آموزش عالی از مهم‌ترین آثار و نتایج ظهور اقتصاد دانش است. این تقاضاها در حالی گسترش پیدا می‌کند که منابع عمومی با محدودیت قابل ملاحظه‌ای مواجه است. محدودیت منابع همراه با افزایش شرایط رقابتی به ویژه در عصر یکپارچگی بازارها و جهانی شدن موجب می‌شود که به هر اندازه آموزش عالی، در زندگی، اقتصاد و توسعه جوامع اهمیت می‌یابد، به همان میزان نیز حساسیت شدیدی نسبت به کیفیت آن پدید می‌آید. ذینفعان چه در سطح بازار کار، چه در سطح دولت و چه در سطح مالیات دهندگان، برای بقا و برآمدن از عهده رقابت‌ها هر روز بیش از پیش نیاز به آموزش عالی را احساس می‌کنند اما نسبت به کیفیت آن نیز کنجکاو و پی‌گیر می‌شوند. مدیران هم‌چنان که به استخدام دانش‌آموختگان و استفاده از خدمات تخصصی دانشگاه‌ها و مراکز علمی روی می‌آورند، انتظار دارند که از کیفیت آن نیز مطمئن شوند (فراستخواه، ۱۳۸۵).

با توجه به این‌که امروزه تعداد دانشجویان نسبت به قرن پیش به ده برابر افزایش یافته، اما اعتبار دانشگاه‌ها رو به کاهش است به طوری که استاد سرشناس مدیریت، پیتراکر (۱۹۹۷) پیش‌بینی می‌کرد "تا سی سال دیگر، دانشگاه‌های بزرگ فقط یک بنای یادبود خواهند بود". در حال حاضر رشد سریع و نیاز به گسترش آموزش عالی به عنوان یک ضرورت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در بسیاری از کشورها مورد حمایت قرار گرفته است (گنشو^۱، ۲۰۰۲).

1 Genshu

امروزه یک نگرانی جهانی برای کیفیت آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد (هاربر و من کوب^۱، ۲۰۱۰) و کیفیت آموزش و پژوهش، از جمله دغدغه‌های اصلی نظام آموزش عالی اغلب کشورهای جهان شده است. آموزش عالی نقش هدایت و رهبری را در آموزش و پرورش بر عهده داشته و نقش حیاتی در توسعه جامعه ایفا می‌کند (ویلیامز^۲، ۲۰۰۶). دیرینگ^۳ (۱۹۹۷) اهمیت آموزش عالی را به این صورت بیان کرده است که برای دولت، آموزش عالی به یک دارایی مهم تبدیل شده است و در مقابل آموزش عالی نیز باید به رسالت خود متعهد باشد. یونسکو (۱۹۹۸) معتقد است که مؤسسات آموزش عالی برای کیفیتشان در مقابل جامعه، فرهنگ و غیره مسئول هستند. دانشگاه‌ها همواره تربیت متخصصان جامعه در رشته‌های گوناگون را بر عهده داشته‌اند و با در اختیار داشتن امکانات وسیع، انبوه دانشجویان و پژوهشگران و ابزار تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف، کمک شایانی به پیشرفت و پیش‌برد تمدن بشری نموده‌اند.

ویلبو و میر^۴ (۱۹۸۹) اظهار داشتند که دانشگاه‌ها در آینده نقش نهادهای انتقالی را ایفا خواهند کرد. آن‌ها باید خود را با شرایط اقتصادی، فن آوری و اجتماعی که بسیار پرتلاطم‌تر و پویاتر از گذشته خواهد بود، وفق دهند. بر این اساس، دانشگاه‌ها باید هدف‌ها و برنامه‌های خود را بازبینی و نحوه‌ی چالش‌های جدید را مورد ارزیابی قرار دهند (بارانی، ۱۳۸۸).

مشکل کشورهای در حال توسعه که از کیفیت پائین آموزش عالی برخوردار هستند این است که برای آموزش عالی اولویت پائینی قائل هستند و نیازمند بهبود قابل ملاحظه‌ای در کیفیت آموزش عالی و ارتقاء قابل ملاحظه‌ای در ظرفیت آن می‌باشند (یولاه و اجمل^۵، بی‌تا). به طور مثال کشور پاکستان برای بی‌توجهی در آموزش و پرورش هزینه گرانی را پرداخته است و پس از ۵۶ سال نتوانسته خود را در یک موقعیت آموزشی مطلوبی قرار دهد. این کشور هنوز هم تنها ۲/۷ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به آموزش و پرورش اختصاص داده است در حالی که یونسکو ۴ درصد را برای همه کشورهای در حال توسعه توصیه کرده است.

1 Harber & Mncube

2 Williams

3 Dearing

4 Vilbo & Meyer

5 Ullah & Ajmal

بر اساس یافته‌های هاربر و من کوب^۱ (۲۰۱۰) آموزش عالی در آفریقای جنوبی نیز از کیفیت پائینی برخوردار است.

بررسی‌ها بیانگر این است که از سال ۱۳۴۵ به بعد، کشور ایران شاهد افزایش دانش آموختگان آموزش عالی بوده است به طوری که این تعداد از ۷۴ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ به یک میلیون و پانصد هزار نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است (بارانی، ۱۳۸۸). نظام آموزش عالی به عنوان یکی از دو قطب تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه را در سطوح و رشته‌های مختلف به عهده دارد (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۰). این در حالی است که بسیاری از مؤسسات آموزش عالی نیز در ایران در شرایط قبل از انقلاب متوقف شده‌اند. به نظر می‌رسد این مؤسسات نتوانسته‌اند به طور رضایت بخشی پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بوده و اثربخشی قابل قبولی را در جامعه داشته باشند. این مسئله تحت تأثیر عواملی نظیر کمبود تحقیقات، متمرکز بودن دوره تحصیلی و مدیریت می‌باشد (حیدری، ۲۰۰۸). از طرف دیگر، در تغییرات سریع اجتماعی در ایران، در چالش و کشمکش بین نظام سنتی و مدرن، دانشجویان هنوز در شرایط قبل از انقلاب باقی مانده‌اند. اغلب دانشجویان به دلیل نبود یا کمبود فضای بحث و گفتگو، تجارب اندکی از بحث و گفتگو در آموزش عالی ایران دارند. تغییر در رفتار و نگرش دانشجویان نیاز به ایجاد تغییر در رفتار و نگرش استادان دارد و استادان توافق دارند که تغییر در رفتار و نگرش آن‌ها به طور جدی نیازمند آشنائی آن‌ها به محیط بحث و گفتگو داشته که خلاء آن در نظام آموزش کاملاً آشکار است (همان). همان گونه که سماوی و همکاران (۱۳۸۷) نیز به نقل از گمبل بیان می‌کنند که اگر آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه به دنبال تربیت افرادی با استعداد و فعال به منظور مشارکت و رقابت در جامعه جهانی در حال ظهور باشد، اصلاح برنامه‌های آموزشی یک نیاز گسترده به شمار می‌آید.

۲-۳- وضعیت موجود نظام آموزش عالی کشاورزی در جهان و ایران

بر اساس آمارهای سازمان مهندسی کشاورزی ایران، ۲۴۰۰۰۰ فارغ‌التحصیل کشاورزی در ایران وجود دارد که ۵۷۰۰۰ نفر از آن‌ها در جستجوی کار هستند. یکی از دلایل این امر، سرمایه‌گذاری کم در بخش

1 Harber & Mncub